

مروری بر مهمترین علائم بیماری‌های اصلی (خاص) طحال

سعیده یارجو^{الف*}، اسماعیل ناظم^ب، سید امیر حسین امامی^ج، امید صادقیپور^د

^{الف} دستیار طب سنتی ایران، دانشکده طب سنتی، دانشگاه علوم پزشکی تهران

^ب استاد دانشکده طب سنتی، دانشگاه علوم پزشکی تهران

^ج دانشیار گروه خون و انکولوژی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران

^د استادیار گروه گیاهان دارویی، موسسه مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل، دانشگاه علوم پزشکی ایران

چکیده

سابقه و هدف: از دیدگاه طب سنتی ایران طحال جایگاه سودا است و با ایجاد اعتدال این خلط موجب استحکام بنیاد بدن و سختی اندام‌ها و صبوری افراد است. بنابراین به نظر می‌رسد که بررسی علائم بیماری‌های خاص طحال بتواند در روشن شدن نقش این ارگان در بیماری‌های متعدد مفید باشد.

مواد و روش‌ها: در این مطالعه بیماری‌های مختص به عضو طحال در تعداد ۱۰ عدد از کتب اصلی معالجات طب سنتی ایران دسته‌بندی و هر کدام از علائم مربوط به آنها مورد بررسی قرار گرفت.

یافته‌ها: تعداد ۱۱۹ علامت شامل علائم عمومی مانند رنگ بدن، علائم گوارشی مانند تهوع، نبض، بررسی ادرار، علائم مربوط به اعراض نفسانی و ... یافت شد. از بین علائم فوق ۲۱ عدد در نوع بیماری خاص خود، دارای تواتر بیشتری در کتب بودند و از بین آنها علائمی چون اسهال، بی‌اشتهایی، و نفخ دارای بیشترین تکرار هستند.

بحث و نتیجه‌گیری: پژوهشگر با توجه به علائم پرتواتر در هر بیماری می‌تواند به علائم با اولویت بیشتر در هر بیماری بر اساس نظر اطبای طب سنتی پی ببرد. به نظر می‌رسد طحال به عنوان عضو موثر سیستم ایمنی بدن و نیز عامل حذف سلولهای فرسوده خونی، همچنین به عنوان یک عضو موثر بر فعالیت اعضای اصلی مانند کبد و معده و روده و ... دارای اهمیت بسزایی در بسیاری از بیماری‌های اعضای فوق و نیز مواردی چون بحران‌ها، تغییر رنگ پوست، اختلالات اشتها، بی‌خوابی‌ها و ... باشد که در این صورت توجه به علائم این عضو در تشخیص و درمان بیماری‌های فوق کمک کننده است.

تاریخ دریافت: مهر ۹۱

تاریخ پذیرش: آذر ۹۱

کلید واژه‌ها: طحال، طب سنتی ایران، اسهال، بی‌اشتهایی.

مقدمه:

تنظیم حجم پلاسما و هماتوپوئیس شناخته می‌شود. البته همانطور که می‌دانیم هر یک از این فعالیت‌ها مربوط به یک بخش از طحال است به نحوی که این هماهنگی و تطابق در هیچ عضو دیگری دیده نمی‌شود (۱، ۲). در منابع طب سنتی ایران طحال به علت نقش آن در دفع سودا و اینکه جایگاه سوداست دارای اهمیت است، شاید بتوان گفت که در اکثر

امروزه بیماری‌های عضو طحال در رده شایع‌ترین بیماری‌ها نیست، در واقع عضو طحال به عنوان یک عضو سحرآمیز در ترتیب دادن و انجام فاگوسیتوز موثر اریتروسیت‌ها، وارد کردن دوباره آهن به چرخه، به دام انداختن و تخریب پاتوژن‌ها، القای ایمنی اکتسابی، مخزن سلول‌های خونی و پلاکت‌ها،

بیماری‌هایی که ماهیت سودایی دارند، طحال به نحوی نقش بازی می‌کند. به عبارت دیگر سودا در طب سنتی ایران به عنوان رسوب یا دردی خون است که وظیفه برداشت آن از خون به عهده طحال و تعادل خلط سودا در بدن وابسته به عملکرد سالم طحال است، همچنین طحال سودا را به خود جذب کرده و طعم آن را به ترشی تغییر داده و غذای خود را از آن تامین می‌کند (۳، ۴).

همانطور که در متون طبی نگاشته شده است، عضو طحال به شکل زبان است و جایگاه آن سمت چپ معده بوده و کمی بر روی آن قرار گرفته است (۴، ۵). سمت محدب طحال به سمت پهلوی‌های پشت است، و از سمت مقعر طحال غشای آن بیشتر با غشای معده پیوستگی دارد (۴، ۵). طحال دارای بافت متخلخل است تا خلط غلیظ سودا بتواند در میان اجزای بافت آن وارد شود، همچنین رگها و شریانهای موجود در آن زیاد هستند تا حرارت از طریق این رگها به آن برسد، طحال هر روز جزئی از سودا را به معده می‌فرستد و به این ترتیب ترشی این سودا معده را تحریک کرده و موجب ایجاد اشتها برای غذا می‌شود (۳، ۴، ۵، ۶).

سید اسماعیل جرجانی در ذخیره می‌فرماید: "از یک سر سپرز منفذی دراز کشیده است و اندر قعر جگر گشاده و طبیبان آن را گردن سپرز گویند و آلت او اندر کشیدن سودا از جگر و آلت جگر اندر دفع سودا به سوی او این منفذ است و این منفذ اندر زیر منفذ زهره است که صفرا بدان منفذ به زهره اندر شود و از باطن سپرز منفذی دیگر اندر معده گشاده است و لختی سودای افزونی بدین منفذ به معده برآید و فم معده را بخارد." (۴).

به طور کلی تا وقتی که سودا مزاج معتدل دارد، بسیار سودمند است، زیرا سودای معتدل بنیاد همه بدن است و قوت و نیروی اندام‌ها و سختی استخوان‌ها و صبوری افراد به واسطه آن است. البته همانگونه که اعتدال مزاج طحال منفعت بسیار دارد، اگر از حال اعتدال خارج شود ضررهای بسیار ایجاد شده و بیماری‌های سودایی ایجاد می‌کند (۴، ۶، ۷). به عبارت دیگر شاید بتوان گفت، در اکثر اوقات که فرد دچار بیماری‌های سودایی می‌شود، یا در مواردی که رنگ چهره و بدن تغییر

فاحش داشته باشد، بویژه اگر این تغییر رنگ به سمت کمودت باشد طحال به احتمال زیاد درگیر است. همچنین طحال به دلیل مجاورت با اعضای چون معده، حجاب، روده‌ها و نیز ارتباط با اعضای چون کبد، کلیه‌ها و ... که از طریق صفاق یا از طرق دیگر برقرار می‌شود می‌تواند در عملکرد این اعضا نیز تاثیر بگذارد و تقریباً می‌توان گفت بیماری‌های عضو طحال منجر به بیماری در این اعضا و بالعکس بیماری‌های این اعضا منجر به اختلال در عملکرد طحال و به دنبال آن اختلال در تعادل خلط سودا در بدن می‌شود (۶، ۸، ۹).

امروزه رویکرد طب به بیماری‌های طحال یا بیماری‌هایی که به نحوی به طحال مربوط می‌شود با آنچه در طب سنتی ایران است در بحث مبانی بسیار متفاوت است، به نحوی که این تفاوت هنگام تشخیص و درمان بیماری‌ها به تفاوت‌های کلی در استراتژی درمان منجر می‌شود. در طب سنتی ایران بیماری‌های عضو طحال اصولاً شبیه به بیماری‌های کبد است و سوء مزاج‌های آن نیز شبیه به سوء مزاج‌های کبد است و همچنین درمان‌های شبیه دارد؛ اما به علت اینکه شرافت عضو و جلالت طحال کمتر از کبد است، داروهای آن هم باید قویتر از داروهای کبد باشد (۳، ۶، ۸، ۱۰).

بیماری‌های مختص یا اصلی عضو طحال به ۲۱ دسته تقسیم می‌شوند که هر کدام دارای علائم مربوط به خود است. در این مقاله به شرح و بررسی این علائم پرداخته می‌شود.

مواد و روش‌ها:

در این مطالعه بیماری‌های خاص عضو طحال در ۱۰ عدد از کتب اصلی معالجات طب سنتی ایران شامل کتابهای قانون، اکسیر اعظم، معالجات عقیلی، شرح اسباب و علامات، طب اکبری، ذخیره خوارزمشاهی، هدایت المتعلمین، الحاوی فی الطب، کامل الصناعه، الاغراض الطبییه و المباحث العلائیه مورد بررسی قرار گرفت و با توجه به نوع علائم و تعداد تکرار آنها در این کتب دسته بندی شدند، به این ترتیب هر کدام از علائم که در کتب بیشتری تکرار شده‌اند و یا اینکه دارای زیربنای استدلالی بودند از اهمیت بیشتری برخوردار هستند.

یافته‌ها:

علائم بیماری‌های اصلی طحال

بر اساس مطالعه‌ای که در تعداد ۱۰ عدد از کتب اصلی معالجات طب سنتی ایران انجام شد تعداد ۱۱۹ علامت از بیماری‌های مختص به طحال استخراج شد که این علائم به طور کلی به علائم مربوط به عضو طحال و معاینات این عضو، و همچنین علائم دیگری شامل علائم عمومی بدن یا علائم مربوط به سایر اعضا است، تقسیم می‌شوند (۱۱).

علائم مخصوص به عضو طحال:

این علائم شامل علائمی چون تمدد محل طحال در زیر دنده چپ، سوزش طحال، احساس التهاب در محل طحال، سنگینی موضع طحال یا احساس سبکی طحال، درد محل طحال هستند که توسط بیمار ابراز می‌شوند، همچنین برخی علائم این عضو که توسط معاینه مشخص می‌شود شامل بزرگی طحال، انتفاخ آن، وجود بشورات در محل پوست محاذی طحال، ایجاد آروغ یا قراقر شکم پس از غمز طحال، گرمی یا سردی ملمس طحال، صلابت و نرمی یا جسائت و غلظ موضع طحال و سرخی رنگ پوست موضع طحال هستند که در بیماری‌های طحال عمدتاً توسط بیمار عنوان شده یا در معاینه آنها توجه می‌شود (۳، ۴، ۵، ۶، ۱۰، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵).

علائم عمومی بدن:

رنگ چهره: در بررسی رنگ چهره بیمار، به رنگهایی چون زرد تیره که به سیاهی زند، رنگ تیره یا کمودت رنگ، رنگ سپیدی سربی یا رصاصی، تمایل رنگ چهره به سپیدی باید توجه شود که البته هر کدام مربوط به یکی از بیماری‌های عضو طحال است (۳، ۶، ۱۰، ۱۲، ۱۴، ۱۵).

رنگ بدن: در بررسی رنگ بدن تمایل رنگ بدن به سرخی در ورم گرم دموی و زرد مایل به سیاهی در نوع صفراوی آن باید توجه شود (۳، ۶، ۱۰، ۱۲، ۱۴، ۱۵).

سحنة: در مورد بیماری‌های طحال بیشتر به لاغری و نحافت بدن در زمینه سحنة بیمار توجه می‌شود و در بررسی این علامت همیشه باید توجه داشت که آیا این علامت همراه سقوط اشتها است یا بدون آن است (۳، ۵، ۶، ۱۰، ۱۲، ۱۵).

چشم: در بررسی چشم به مواردی چون تیرگی، یا سپیدی، یا زردی مایل به سیاهی سپیدی چشم توجه و نیز پلکها

(حمالقی) از جهت وجود تهیج ارزیابی شوند (۳، ۶، ۱۰، ۱۲، ۱۴، ۱۵).

زبان: در مورد زبان در بیماری‌های طحال تمایل آن به سپیدی یا تمایل به رنگ سپید مایل به سربی، یا زرد مایل به سیاهی، و یا تمایل رنگ زبان به سیاهی باید بررسی شود (۳، ۶، ۱۰، ۱۲، ۱۵).

تب: تبی که در برخی بیماری‌های طحال عارض فرد می‌شود معمولاً تب سودایی یا تب بر دور ربع است که این تب ربع ممکن است به صورت نامنظم عارض شود. البته استثنائهایی نیز وجود دارد؛ به طور مثال در ورم گرم صفراوی، تب در بیمار بر دور غب عارض بیمار می‌شود. (۳، ۴، ۶، ۱۰، ۱۲، ۱۴، ۱۵).

علائم گوارشی:

علائم گوارشی بیماری‌های طحال شامل علائمی همچون تغییرات اشتها یا وجود عطش، نفخ، قراقر، آروغ و علائم فساد هضم (مانند تمدد دنده‌ها، غثیان، سوزش معده، بوی بد براز، آروغ غیر طبیعی) و ... است. همچنین وجود جراحت معده یا زخم روده نیز در بیمار باید بررسی شود. بیمار از نظر راحتی و اذیت شدن در هنگام گرسنگی و پری شکم ارزیابی شده و همچنین بررسی براز و نیز قی در صورت وجود در این بیماران انجام می‌شود (۳، ۴، ۶، ۱۰، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵).

براز: در بررسی براز مواردی چون یبوست، طبع نرم یا وجود شکم‌روش پیوسته، اسهال و بررسی آن از نظر مواردی چون سودایی بودن یا بی‌ترتیب بودن اسهال انجام می‌شود. همچنین براز از نظر وجود رنگهایی چون سفید، سفیدی مایل به کمودت (رصاصی) یا تمایل به سرخی و سیاهی، و یا وجود دردی یا رسوب در براز و نیز داشتن بوی بد ارزیابی می‌شود. (۳، ۴، ۶، ۱۰، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵).

قی: در صورتی که قی عارض بیمار شود آن را از نظر وجود اخلاط بویژه خلط سودا و نیز طعم بویژه طعم تلخ و رنگ بویژه رنگ سیاه و نیز وجود دردی و اجسام غریبه بررسی می‌کنند (۳، ۴، ۶، ۱۰، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵).

نبض:

جدول شماره ۱: مهمترین علائم گزارش شده متواتر

بیماریهای طحال در کتب طب سنتی ایران

ردیف	علامت	نام بیماری	تواتر در
۱	اسهال سودایی	ضعف قوه ماسکه	۷ (+)
۲	سقوط اشتها	ضعف قوه دافعه	۶ (+)
۳	نفخ و قراقر شکم	سوء مزاج سرد طحال	۶ (+)
۴	تمایل رنگ چهره به	ورم رخو بلغمی	۶ (+)
۵	امکان بروز یرقان سیاه	ضعف قوه جاذبه	۶ (+)
۶	عطش کمتر از ورم	ورم گرم دموی طحال	۶
۷	سوزش و التهاب	سوء مزاج گرم طحال	۶
۸	سقوط اشتها	سوء مزاج سرد طحال	۶
۹	ترهل بدن	سوء مزاج تر طحال	۵ (+)
۱۰	آروغ زیاد	سوء مزاج سرد طحال	۵ (+)
۱۱	سنگینی موضع طحال	سوء مزاج گرم و تر	۵ (+)
۱۲	نرمی طحال	سوء مزاج تر طحال	۵ (+)
۱۳	لاغری و نحافت بدن	سوء مزاج خشک	۵ (+)
۱۴	میل قاروره به سرخی	سوء مزاج گرم طحال	۵ (+)
۱۵	میل براز به سرخی که	سوء مزاج گرم طحال	۵ (+)
۱۶	تمایل رنگ بدن به	ورم صلب سودایی	۵
۱۷	تب بر دور ربع	ورم گرم دموی طحال	۵
۱۸	تب بر دور غب	ورم گرم صفرائی	۵
۱۹	ورم و آماس طحال	ضعف قوه دافعه	۵
۲۰	تقدم ورم طحال	سده طحال	۵
۲۱	درد محل طحال	ورم گرم دموی طحال	۵

(+) این علامت نشاندهنده اینست که در کتب طب سنتی ایران برای این علامت سبب و دلیل عنوان شده است.

به طور کلی بیماریهای مختص طحال، بدون توجه به بیماریهایی چون تقیح، نفخه و حجاره آن، به سه دسته عمده شامل سوء مزاجها، اورام طحال و ضعف قوای این عضو تقسیم می شوند، و البته علائم این بیماریها به طور جداگانه قابل بررسی هستند، بطور مثال در اورام طحال علائم خاص طحال مثل سنگینی و بزرگی طحال و نیز درد که ممکن است از

بررسی نبض معمولاً از نظر سرعت، صلابت، صغر، غلظ، اختلاف و انتظام آن بررسی می شود. به طور مثال در بیماری ورم صلب سودایی طحال، نبض بیمار سریع و صلب است (۳، ۶، ۱۰).

قاروره:

قاروره بیمار نیز از نظر رنگ که شامل میل به سرخی و سیاهی، سیاه بودن قاروره (اقتم مایل به سیاهی) یا سیاه شدن آن پس از فعالیت بدنی، سپیدی مایل به سبزی و تیرگی، رصاصی بودن، است و همچنین وجود یا عدم وجود رسوب یا وجود ریم و چرک، ریگ، و نیز غلظت و صفای بول، و وجود نضج در بول، بدبویی آن، و داشتن حرارت در قاروره بررسی می شود (۳، ۴، ۶، ۱۰، ۱۲، ۱۴، ۱۵).

علائم مربوط به اعراض نفسانی:

در بررسی اعراض نفسانی، بیمار از نظر علائمی چون سوء خلق، خباثت نفس، اندوه زیاد، خیالاتی شدن، هیجان غم، وسواس، اختلاط ذهن، بسیاری فزع و غم و نیز بهم خورده و بدحال شدن حال بیمار در برخی موارد، ارزیابی می شود. (۳، ۶، ۱۰،

سایر علائم:

علاوه بر علائم اختصاصی طحال که در فوق گفته شد علائم دیگری نیز در بیمار بسته به نوع بیماری این عضو ارزیابی می شود، این علائم شامل بررسی اعضای مشارک طحال، وجود تمطی، ترهل بدن، تاكل اسنان و لثه، امکان ایجاد ورمهای سودایی در برخی اعضا، وجود یرقان سیاه و دیگر امراض سودایی، گرمی کف دست و پاها و زانوهای و ساقها و قدمها، بررسی پوست از نظر کلف، بهق سیاه، جذام، جوش، قرحه، و نیز وجود دمل چرکی در ساق پا، ارزیابی تنفس، ضربان فاحش سرخرگ کاروتید، کمودت خون هستند، البته در مواردی نادر همچون بیماری حجاره طحال ریگ در بول یا خون بواسیر یا خون فصد نیز به ندرت دیده می شود (۳، ۴، ۵، ۶، ۱۰، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵).

از بین علائم بیماریهای طحال تواتر برخی علائم درمئون کتب معالجات از همه بیشتر است که در جدول شماره یک به ۲۱ عدد از این علائم متواتر اشاره شده است.

بیماری که منجر به تشخیص قطعی شود حائز اهمیت بسیار است.

امروزه طحال را یکی از اعضای سیستم ایمنی بدن می‌دانند و در واقع ناحیه مرزی طحال (marginal zone) یکی از مناطقی است که آنتی‌ژن‌ها را معرفی کرده و موجب تولید آنتی‌بادی در بدن می‌شود و مسئول ایمنی ذاتی و اکتسابی و همچنین پالپ سفید طحال نیز محدود به داشتن ایمنی اکتسابی است (۲، ۱۶). در مقالات علمی ثابت شده است که از دست دادن ماکروفاژهای ناحیه مرزی طحال می‌تواند سیر پیشرفت بیماریهای خودایمنی را سریعتر کند، به عبارت دیگر می‌توان گفت، ماکروفاژهای ناحیه مرزی طحال در مورد پاک کردن سلولهای مرده به منظور به حداقل رساندن واکنش ایمنی در برابر آنتی‌ژنهای خودی مرکزیت دارند (۱۷). شواهد موجود در کتب طب سنتی ایران حاکی از این است که طحال و عملکرد آن ارتباط نزدیکی با طبیعت بیمار و توان او برای غلبه بر بیماری‌ها دارد به طور مثال هر گاه سودا در خون بالا رفته باشد (خون غلیظ شده باشد) تغییرات نامطلوبی در سته ضربه رخ می‌دهد و به تبع آن طبیعت ضعیف شده و در نتیجه بیماری بر بدن غلبه می‌کند. پژوهش در این مورد می‌تواند راهکارهای جدیدی در درمان بیماری‌ها، بویژه بیماری‌های مرتبط با این عضو، شرایط بحران در بیماری‌ها و حتی بیماری‌های مربوط به سیستم ایمنی ارائه دهد (۱۸). به عبارت دیگر شاید بتوان گفت در بسیاری موارد در برخی بیماری‌ها، بویژه بیماری‌های خودایمنی، تقویت سیستم ایمنی بدن از طریق عضو طحال، راهکار بهتری از سرکوب این سیستم است.

از سوی دیگر برخی بیماری‌های طحال دارای علائمی همچون تغییر رنگ پوست، بیخوابی، اختلالات اشتها، لاغری بدن و ... هستند که این علائم یا مستقیماً به واسطه تغییرات عملکرد طحال ایجاد می‌شوند و یا اینکه بیماری این عضو منجر به تغییرات خلط سودا یا اخلاط دیگر در بدن شده و علائم فوق را ایجاد می‌کند، به طور مثال هر گاه بزرگی طحال وجود داشته باشد به دلیل اینکه از یک سو طحال در این حالت خون بیشتری جذب می‌کند و غذای جسم کاهش می‌یابد و از سوی دیگر موجب سستی و وهن نیروی کبد و کاهش تولید

جانب چپ کشیده شده و تا ترقوه و شانه چپ امتداد یابد، بیشتر دیده می‌شود، همچنین تب و بقیه علائم خاص هر ورم نیز در اورام طحال مورد توجه قرار می‌گیرد، در حالیکه در ضعف قوای طحال بیشتر علائم گوارشی مانند افزایش و کاهش اشتها، اسهال، جراحات‌ها و زخم روده و نیز امکان اورام سودایی در اعضای دیگر بدن ارزیابی می‌شود و نیز در سوءمزاجهای طحال علائمی مانند عطش، رنگ چهره و زبان، نبض و علائم مربوط به سوءمزاج خاص بیشتر بروز می‌کنند (۳، ۴، ۵، ۶، ۱۰، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵).

بحث و نتیجه گیری:

علائمی که درباره بیماریهای طحال در کتب مختلف طب ایرانی یافت می‌شود متفاوت هستند یعنی تنها بخشی از این علائم در کتب به طور یکسان آمده است و بخشی از آنها دارای اختلاف هستند. تواتر یک علامت در کتب مختلف حاکی از آن است که این علامت به قدری شایع بوده که اطباء مختلف طی سالهای متمادی بر آن صحنه گذاشته‌اند، بنابراین می‌توان گفت علامتی است که در تشخیص بیماری مربوطه دارای اهمیت بیشتر از سایر علامات است. از سوی دیگر برخی علامت‌ها در کتب با ذکر دلیل آنها عنوان می‌شوند، این امر نشان دهنده آن است که این علامت و پاتوفیزیولوژی آن از دیدگاه اطباء بر اساس مبانی طب سنتی ایران کاملاً شناخته شده و قابل استناد و بدیهی است، شناخت سبب ایجاد علامت در یک بیماری، در بسیاری موارد راهکارهای سودمندی فراروی درمان بیماری قرار می‌دهد. همانگونه که قبلاً گفته شد بیماری‌های مختص طحال به چند دسته عمده تقسیم می‌شوند که شامل سوءمزاجها، اورام طحال، ضعف قوای این عضو و سایر بیماریهای آن همچون تقيح طحال، نفخه طحال، حجاره آن و ... هستند. برخی بیماریهای طحال دسته‌ای از علائم عنوان شده در فوق را بیشتر دارا هستند بطور مثال در اورام طحال اولویت با علائم خاص طحال مثل سنگینی و بزرگی طحال و در ضعف قوای طحال بیشتر علائم گوارشی دیده می‌شود. بنابراین اولویت علائم مذکور در گرفتن شرح حال دقیق

خلط خون می‌شود، در فرد لاغری ایجاد می‌شود (۸) بنابراین یکی از اعضای که در صورت وجود علائم فوق در بیماران باید به بیماری یا از بین رفتن تعادل آن توجه شود، عضو طحال است و چه بسا در برخی بیماری‌ها بتوان با تعدیل و اصلاح عضو طحال به عنوان عامل بیماری به درمان کامل آن پرداخت. از سوی دیگر هرگاه قصد پژوهشگر در بیماری ویژه‌ای از طحال استناد به علامتی مهم در آن بیماری باشد، مسلماً علامتی که در بین اطباء طب سنتی ایران تواتر گزارش بیشتری دارد از همه مهمتر است و این مطلبی است که نویسنده مقاله بر آن تاکید زیاد داشته است.

به طور کلی باید گفت با توجه به نقش مهم طحال از دیدگاه طب سنتی ایران و همچنین نقش آن در ایمنی ذاتی و

اکتسابی و حذف گلبولهای قرمز پیر و سلولهای بیگانه از جریان خون از نظر پزشکی امروز، (۱۶) تامین سلامت این عضو و پیشگیری از ایجاد بیماری در آن، می‌تواند منجر به عملکرد سالم و حفظ تعادل خلط سودا در بدن و نیز عملکرد بهتر اعضای مرتبط با آن شود. از سوی دیگر نقص عملکرد طحال بویژه در سالمندان، این افراد را مستعد عفونتهای استرپتوکوکی می‌کند و گاه ممکن است به دنبال ایجاد برخی بیماری‌ها یا تروما به طحال تغییراتی در حجم این عضو یا حتی در گلبولهای قرمز (مانند pitting) رخ دهد (۱۹). همه این موارد حاکی از این است که عضو طحال به عنوان یک عضو مستقل و تاثیرگذار در سلامت بیمار شایسته توجه بیشتری است.

References:

1. Handin R.I., Lux S.E., Stossel T.P. Blood, Philadelphia, Lippincott Williams & Wilkins, 2002, 1897-1901.
2. Reina E, kraal M., kraal G. Structure and function of the spleen, Nature Reviews Immunology, 2005; 5: 606 – 616.
۳. ابن سینا، حسین بن عبدالله: القانون فی الطب، نسخه چاپ سنگی، مؤسسه مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل، تهران، صص: ۲۰۵-۲۱۴، ۱۳۸۳.
۴. جرجانی، سید اسماعیل: ذخیره خوارزمشاهی، بنیاد فرهنگ ایران، تهران، صص: ۴۵۹-۴۶۳، ۱۳۵۵.
۵. مجوسی اهوازی، علی بن عباس: کامل الصناعه، ج. ۱، مؤسسه احیای طب طبیعی، قم، صص: ۳۲۱، ۱۳۸۷.
۶. ناظم جهان، محمد: اکسیر اعظم، ج. ۳، مؤسسه مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل، تهران، صص: ۱۱۵-۱۳۸۷، ۱۷۲.
۷. عقلی علوی شصیرازی، محمد حسین: خلاصه الحکم، تصحیح: ناظم، اسماعیل. ج. ۱، اسماعیلیان، قم، صص: ۳۳۱-۳۳۳، ۱۳۸۵.
۸. رازی، محمد بن زکریا: الحاوی فی الطب، مطبعه مجلس دائره المعارف العثمانیه، حیدرآباد دکن، صص: ۲۷۶-۳۲۱، ۱۹۵۸.
9. Moore K.L., Dalley A.F., Agur A.M.R. Clinically Oriented Anatomy, Lippincott Williams & Wilkins, 2010, 263-281.
۱۰. عقلی علوی شیرازی، سید محمد حسین: معالجات عقلی، مؤسسه مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل، تهران، صص: ۶۷۹-۶۸۸، ۱۳۸۷.
۱۱. یارجو، سعیده: شرح و تفسیر بیماریهای خاص و مشارکتی عضو طحال در طب سنتی ایران، پایان نامه پی اچ دی، دانشکده طب سنتی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، در حال چاپ.
۱۲. کرمانی، نفیس بن عوض: شرح الاسباب و العلامات، ج. ۲، انتشارات جلال الدین، مؤسسه احیای طب طبیعی، قم، صص: ۷۴-۵۹، ۱۳۸۷.
۱۳. جرجانی، سید اسماعیل: الاغراض الطبیه والمباحث العالئیه، تصحیح و تحقیق: تاجبخش، حسن، ج. ۱، مؤسسه انتشارات و چاپ فرهنگستان علوم، تهران، صص: ۶۷۷-۶۸۱، ۱۳۸۴.
۱۴. اخوینی بخاری، ابوبکر ربیع بن احمد: هدایه المتعلمین فی الطب، دانشگاه مشهد، مشهد، صص: ۴۷۰-۴۷۹، ۱۳۷۱.
۱۵. ارزانی، محمداکبر: طب اکبری، انتشارات جلال الدین مؤسسه احیای طب طبیعی، قم، صص: ۷۶۸-۷۷۸، ۱۳۸۷.
16. Schwandt T. et al. Expression of type I interferon by splenic macrophages suppresses adaptive immunity during sepsis, EMBO journal, 2012; 31 (1): 201 – 213.
17. McGaha T.L. Marginal zone macrophages suppress innate and adaptive immunity to apoptotic cells in the spleen, Blood Journal 2011; 3 (28): 5403-12.
۱۸. ناظم، اسماعیل: طبیعت در پزشکی ایرانی، انتشارات آبر، تهران، صص: ۶۸-۶۹، ۱۳۸۹.
19. Markus H.S., Toghil P.J. Impaired splenic function in elderly people, Age Aging 1991, 20(4): 287-90.